



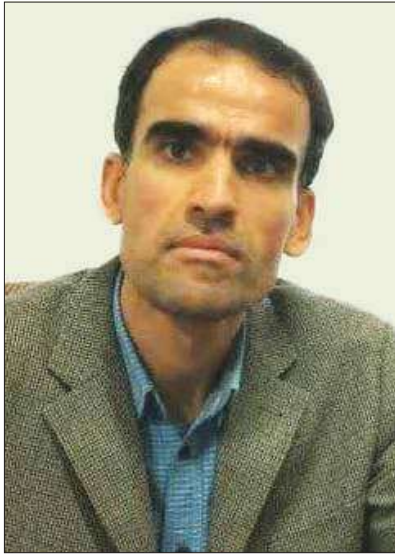
● عکس: احسان رسولی ●

گفت و گو با دکتر «سیدهادی طیب‌نیا» عضو هیئت علمی گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه سیستان و بلوچستان

## رشد منفی

### نرخ رشد جمعیت روستایی کشور با وجود افزایش جمعیت منفی است

مهاجرت از روستا به شهر یک پدیده معمولی است و در همه جای دنیا اتفاق می‌افتد، ولی این مهاجرت بی‌رویه است که مطلوب نیست. روستا را با کشاورزی می‌شناسند. محیط و بستر روستا به‌طور عمده جوان‌گرا نیست و چون بستر اشتغال برای جوانان در روستا فراهم نیست، لذا بیشتر مهاجرت‌ها توسط جوانان روستا اتفاق می‌افتد. این مهاجرت‌ها معمولاً جوان‌گزین و نخبه‌گزین هستند؛ یعنی روستا را از نیروی جوان و کارآمد محروم می‌کند و بنیان‌های کشاورزی سنتی باقی می‌ماند که به‌شدت بهره‌وری پایینی دارد و مصرف منابع تولید از جمله آب که کالایی بسیار ارزشمند و کم‌یاب است را افزایش می‌دهد. روند کنونی یک روند روستا‌گریزی و در مقابل شهرگرایی است. در یک نظام سیاست‌گذاری کارآمد، نواحی شهری و روستایی، ارتباطی متقابل، دائمی و متعادل دارند و مکمل یکدیگر هستند. در کشورهای پیشرو با رشد تولید در بخش کشاورزی اشتغال بیشتری در بخش‌های خدمات و صنعت ایجاد می‌شود که در کشور ما به دلیل ساختار نامناسب برنامه‌ریزی، چنین نیست. لذا اصلاح ساختار برنامه‌ریزی در کشور، پیش‌نیاز توسعه روستایی است. جریان تبدیل روستا به شهر در کشورمان بدون در نظر گرفتن سایر ملاک‌ها علاوه بر ملاک جمعیتی است، لذا شهرهایی می‌بینیم که ساختارهای اقتصادی و اجتماعی آن‌ها روستایی است، اما به علت شهر شدن کم‌کم کاربری اراضی کشاورزی آن‌ها به دلیل سودآور بودن به سایر کاربری‌ها از جمله مسکونی تغییر داده می‌شود که همین امر موجب کاهش تولیدات کشاورزی و پیامدهای منفی زیادی می‌شود. از نمونه‌های موفق اجرای سیاست‌های توسعه روستایی می‌توان به کشورهای چین و هندوستان اشاره کرد. واقعیت این است که در ایران نه مدل مناسب و علمی برای توسعه روستایی اجرا می‌شود و نه از مدل‌های موفق جهانی و راهبردهای بین‌المللی استفاده می‌شود. اینک شرح کامل گفت‌وگو با دکتر سید هادی طیب‌نیا عضو هیئت علمی گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه سیستان و بلوچستان.



### ◆ این روند چه تأثیری در بنیان کشاورزی و روستایی از طرفی و شهر از طرف دیگر دارد؟

مهاجرت‌هایی که از نواحی روستایی اتفاق می‌افتد، معمولاً جوان‌گرایان و نخبه‌گزین است؛ یعنی روستا را از نیروی جوان و کارآمد محروم خواهد کرد. لذا بخش کشاورزی نیز از نیروی جوان و متخصص محروم می‌شود و امکان توسعه روش‌های نوین کشاورزی که موجب کاهش هزینه‌ها و افزایش کارآمدی بخش کشاورزی می‌شود را در نواحی روستایی کاهش خواهد داد. لذا بنیان‌های کشاورزی، سنتی باقی خواهد ماند. نظامی که به شدت بهره‌وری پایین دارد و مصرف منابع تولید از جمله آب که کالایی بسیار ارزشمند و کمیاب است را افزایش خواهد داد. بر این اساس، روند کنونی موجب روستا‌گریزی و در مقابل شهرگرایی می‌شود.

### ◆ یک نظام سیاست‌گذاری کارآمد چگونه می‌تواند پیوندهای روستا شهری را ایجاد کند؟

یک اصل بسیار مهم در برنامه‌ریزی‌ها وجود دارد، با عنوان اصل مکمل بودن فضاها. یعنی باید نواحی شهری و روستایی مکمل یکدیگر باشند. در یک نظام سیاست‌گذاری کارآمد، نواحی شهری و روستایی، ارتباطی متقابل، دائمی و همچنین متعادل با

روستا را با کشاورزی می‌شناسند و بیش از ۷۰ درصد از اراضی کشاورزی و باغداری کشور و همچنین دام‌های کشور در نواحی روستایی است. محیط و بستر روستا عمدتاً جوان‌گرا نیست و بستر ایجاد اشتغال برای جوانان در روستا فراهم نیست. لذا بیشتر مهاجرت‌ها توسط جوانان روستا اتفاق می‌افتد و افراد مسن در فعالیت‌های کشاورزی مشغول به کار می‌شوند. همچنین نظام بازاریابی و بازرسانی مناسبی برای محصولات کشاورزی در کشور وجود ندارد و کشاورز، نمی‌داند دقیقاً چه باید بکارد تا فروش داشته باشد. لذا معمولاً تولید محصولات کشاورزی توسط دلالان شهری و با قیمت بسیار نازلی از کشاورزان خریداری می‌شود. بر این اساس سود و درآمد کشاورزی بسیار پایین است. از طرف دیگر مشاغل شهری، با زحمت کمتر سود بیشتری دارند. بر این اساس، کشاورز که چنین وضعیتی را می‌بیند، اقدام به مهاجرت به شهر می‌کند، اما با توجه به توان اقتصادی پایینی که دارد، در سکونتگاه‌های غیررسمی شهری اسکان می‌یابد و همین امر موجب گسترش حاشیه‌نشینی در نواحی شهری می‌شود.

مهاجرت‌هایی که از نواحی روستایی اتفاق می‌افتد، معمولاً جوان‌گرایان و نخبه‌گزین است؛ یعنی روستا را از نیروی جوان و کارآمد محروم خواهد کرد. لذا بخش کشاورزی نیز از نیروی جوان و متخصص محروم می‌شود و امکان توسعه روش‌های نوین کشاورزی که موجب کاهش هزینه‌ها و افزایش کارآمدی بخش کشاورزی می‌شود را در نواحی روستایی کاهش خواهد داد. لذا بنیان‌های کشاورزی، سنتی باقی خواهد ماند. نظامی که به شدت بهره‌وری پایین دارد و مصرف منابع تولید از جمله آب که کالایی بسیار ارزشمند و کمیاب است را افزایش خواهد داد. بر این اساس، روند کنونی موجب روستا‌گریزی و در مقابل شهرگرایی می‌شود.

### ◆ آیا مهاجرت روستایی امری ناگزیر است که حتی افزایش تولید کشاورزی آن را تقویت می‌کند، در مجموع آیا تاکنون جاذبه‌های شهری عامل تعیین‌کننده در مهاجرت روستاییان به شهرها بوده است یا دافعه‌های روستایی؟

ابتدا باید گفت چرا مهاجرت روستایی اتفاق می‌افتد و این که آیا ضرورتاً مهاجرت روستایی بد است؟ مهاجرت از روستا به شهر یک پدیده معمولی است و در همه جای دنیا اتفاق می‌افتد، اما این مهاجرت بی‌رویه است که مطلوب نیست و باید به آن پرداخت. چرا که روستا را از جمعیت عمدتاً فعال، جوان و دارای مهارت خالی کرده و در مقابل به علت ناکافی و ضعیف بودن زیرساخت‌های شهرهای مقصد در کشور، شهرها را نیز با چالش‌های فراوانی مواجه می‌کند. همچنین موجب تخلیه روستاها و بلااستفاده ماندن منابع تولید و نیز زیرساخت‌های موجود در نواحی روستایی تخلیه‌شده، خواهد شد. اما این که در دلایل مهاجرت، دافعه‌های روستایی عامل تعیین‌کننده است یا جاذبه‌های شهری، باید گفت که نمی‌توان با قطعیت یک عامل را تعیین‌کننده دانست. چرا که هر دو عامل در کنار هم تعیین‌کننده هستند. ساختار برنامه‌ریزی در کشور متمرکز و نیز شهرمحور است و تمام امکانات را در شهرها قرار داده است. یعنی جذابیت‌های زیادی در شهرها فراهم کرده و در مقابل در روستا و نواحی روستایی، به‌مراتب امکانات بسیار کمتر و حتی بی‌امکانات هستند، به طوری که برخی روستاها حتی از امکانات اولیه زندگی محرومند. به همین دلیل، به شهرها مهاجرت می‌کنند؛ طوری که حاضرند در حاشیه شهرها زندگی کنند، اما در روستا نباشند. چرا که روستا دیگر برایشان قابل زیست نیست و از طرف دیگر می‌توانند از امکانات شهرها هم استفاده کنند، هر چند معضلات شهرها را چند برابر می‌کنند.

### ◆ نظام بهره‌برداری کنونی کشاورزی در کشور چه تأثیری در چگونگی مهاجرت روستایی و ابعاد سکونتگاه‌های غیررسمی شهری دارد؟

یکدیگر دارند. به طوری که نیازهای یکدیگر را در بخش‌های مختلف برطرف می‌کنند. چنین رابطه‌ای، موجب ایجاد پیوندهای روستا شهری متعادل و مناسب خواهد شد. در چنین نظامی، نواحی شهری و روستایی به‌طور متناسبی مورد توجه قرار می‌گیرند و امکانات و تسهیلات به‌طور متعادل بین آن‌ها توزیع می‌شود و نواحی روستایی و شهری در یک رابطه متعادل و برابر، نیازهای یکدیگر را برطرف کرده و نگاه بالا به پایین بین آن‌ها وجود نخواهد داشت.

### ◆ رابطه رشد تولید و اشتغال در بخش کشاورزی کشور را در تطبیق با کشورهای پیشرو در امر کشاورزی، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در کشورهای پیشرو به علت مکانیزه کردن شدید کشاورزی، تولیدات بسیار زیاد و برای مصرف جهانی است؛ یعنی نه تنها نیازهای داخل کشورشان را برطرف می‌کنند، بلکه نیازهای جهانی را نیز برطرف می‌سازند. از طرف دیگر به علت مکانیزه کردن کشاورزی، بخش کوچکی از جمعیت در فعالیت کشاورزی مشغول به فعالیتند، اما بخش زیادی از جمعیت به دلیل جابه‌جایی از بخش کشاورزی در بخش‌های صنعت و بویژه خدمات مشغول به کارند که خود تسهیل‌کننده فعالیت‌های کشاورزی در زمینه تأمین نیازهای این بخش و نیز بازاریابی محصولات و تبدیل محصولات کشاورزی جهت ایجاد ارزش افزوده بیشتر در این بخش هستند. همچنین به علت وجود اقتصاد قوی و پویا در این کشورها، در بخش‌های صنعت و خدمات به نیروی کار نیاز دارند که با مکانیزه شدن کشاورزی، این نیرو از مازاد نیرو بخش کشاورزی تأمین می‌شود. به عبارت بهتر با رشد تولید در بخش کشاورزی، اشتغال بیشتری در بخش‌های خدمات و صنعت ایجاد می‌شود. در کشور ما، به علت ضعف بخش‌های خدمات و صنعت، امکان اجرای این مدل وجود ندارد. چرا که بخش خدمات و صنعت به دلیل ساختار نامناسب برنامه‌ریزی کشور و

مشکلات ساختاری، توان پایینی در ایجاد اشتغال دارند و لذا امکان جذب نیروی مازاد بخش کشاورزی نیز در آن‌ها محدود است. لذا در صورتی رشد تولید در بخش کشاورزی موجب ایجاد اشتغال در سایر بخش‌ها خواهد شد که نظام برنامه‌ریزی در کشور اصلاح شده و اصلاحات ساختاری به‌شدت ضروری است.

### ◆ نظر شما در مورد روند تغییر معیارهای قانونی تبدیل مناطق روستایی به شهر در ایران چیست؟

در ایران تنها ملاک تفکیک شهر از روستا و نیز تبدیل روستا به شهر، ملاک جمعیتی است. تا سال‌های متممادی نیز عدد ثابتی برای تبدیل روستا به شهر ملاک بود، اما به علت فشارهای زیادی که به نمایندگان مجلس وارد می‌شد، این عدد به‌شدت پایین آمد و تعداد زیادی از نواحی روستایی کشور با این قانون درخواست تبدیل شدن به شهر دادند که پیامد آن، کاهش قابل توجه تعداد روستاهای کشور است. از طرف دیگر یکی از دلایل تمایل روستاییان به شهر شدن روستایشان، امکانات شهری است؛ چرا که از دید روستاییان با شهر شدن روستا، امکانات شهری به علت کمبود منابع، امکانات چندانی به این شهرها داده نمی‌شود و به علت عدم در نظر گرفتن سایر ملاک‌ها از جمله ملاک‌های اقتصادی، اجتماعی و غیره در تبدیل روستا به شهر، تفاوت چندانی با

از دید روستاییان با شهر شدن روستا، امکانات شهری به روستا خواهد آمد. در صورتی که به علت کمبود منابع، امکانات چندانی به این شهرها داده نمی‌شود و به علت عدم در نظر گرفتن سایر ملاک‌ها از جمله ملاک‌های اقتصادی، اجتماعی و غیره در تبدیل روستا به شهر، تفاوت چندانی با روستا ندارند.

روستا ندارند. اصلاح ملاک‌های شهر شدن به تعداد بیشتر و در نظر گرفتن ساختارهای اقتصادی و اجتماعی هر منطقه در تبدیل روستا به شهر، پیشنهاد مهمی است که در اصلاح قانون تبدیل روستا به شهر باید ملاک قرار گیرد.

### ◆ ارزیابی شما از وضعیت توسعه روستایی کشور چیست و در مورد عوامل ساختاری مؤثر بر چگونگی توسعه روستایی ایران در دهه‌های اخیر چه توضیحاتی ارائه می‌نمایید؟

در طول حدود ۸۰ سال سابقه در کشور توسعه روستایی، فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشته است. آنچه بیش از هر چیزی در این مورد به چشم می‌خورد، درک برنامه‌ریزان و دیدگاه آنان به این موضوع فارغ از هر نوع حکومت یا دولتی است. از زمان شروع دوره توسعه در کشور، دیدگاه عمده برنامه‌ریزی در کشور، دیدگاه شهرگرایی و تمرکزگرایی است. در این نوع دیدگاه، همیشه روستا در درجات پایین اهمیت قرار دارد، لذا امروزه می‌بینیم که با وجود سابقه شش برنامه قبل از انقلاب و شش برنامه بعد از انقلاب، وضعیت روستا و توسعه روستایی چندان مناسب نیست و حتی می‌توان گفت، اسفبار است. به علت غالب بودن این دیدگاه، روستایی همیشه خود را درجه دو و سه و پایین‌تر از فرد شهری می‌بینند. دلیل این امر، ساختار متمرکز برنامه‌ریزی در کشور است. در دهه‌های اخیر با وجود اقدامات زیادی که برای روستاها انجام شده است، اما به علت پراکنده بودن این اقدامات و نیز عدم اعتقاد راسخ ساختار و برنامه‌ریزان به توسعه روستایی واقعی، هنوز روستاهای کشور فاصله زیادی با توسعه دارند. همچنین چون عمده اقدامات انجام شده، صرفاً دادن امکانات فیزیکی بدون در نظر گرفتن شرایط اشتغال و بهبود وضعیت آن بوده است، باعث افزایش هزینه‌های روستاییان



برنامه سوم به بعد، فصل مستقلی برای توسعه و عمران روستایی در نظر گرفته شد، اما به علت اعتبارات پایین تخصیص داده شده، اقدامات انجام شده جوابگوی جامعه روستایی کشور نبوده است. همچنین به علت ساختار متمرکز برنامه‌ریزی در کشور، روستاهای دور از پایتخت، از جمله نواحی محروم کشور مانند استان سیستان و بلوچستان، همچنان محروم ماندند. در سال‌های بعد به علت تغییر وضعیت اجتماعی کشور، مدرنیته و نفوذ شبکه جهانی اینترنت، اقتصاد روستاهای کشور کم‌کم تغییر جهت دادند و به سمت گسترش مشاغل جدید از جمله در زمینه گردشگری حرکت کردند که نوبدبخش تغییرات

### ◆ عوامل مهم تغییرات اقتصاد روستایی در چند برنامه توسعه بعد از انقلاب کدامند، چگونه می‌توان اقتصاد روستایی را به اقتصاد ملی نزدیک‌تر کرد؟

در برنامه‌های بعد از انقلاب به علت تأکید برنامه‌گذار بر عدالت اجتماعی، توجه بیشتری به روستا و اقتصاد روستایی شد، اما ادامه سیاست تمرکزگرایی در صدر سیاست‌های کلی، موجب عدم موفقیت این سیاست و توجه درست و علمی به روستا شد. در برنامه‌های اول و دوم، فصل مستقلی برای توسعه روستایی وجود نداشت و برنامه‌های پیش‌بینی‌شده برای اجرا در روستاها عمدتاً در سایر فصول از جمله کشاورزی گنجانده شده بود. از

شده و در مقابل درآمد و اشتغال آنان تغییر نکرده است. پس تغییر و اصلاح ساختار برنامه‌ریزی در کشور جهت شروع بهبود وضعیت موجود، پیش‌نیاز توسعه روستایی در کشور است.

### ◆ پیامدهای تبدیل روستا به شهر در چند دهه اخیر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

همان‌طور که عرض شد؛ تبدیل روستا به شهر در کشور بدون در نظر گرفتن سایر ملاک‌ها علاوه بر ملاک جمعیتی است. لذا ما شهرهایی می‌بینیم که فقط یک تابلو در ورودی آن با عنوان شهر ... نصب‌شده و یک ساختمان شهرداری با یک بلوار ساده در ورودی آن، اما ساختارهای اقتصادی و اجتماعی آن روستایی است. از جمله شغل ساکنان آن، ترکیب جمعیتی، زیرساخت‌ها و غیره. از طرف دیگر به علت شهر شدن، کم‌کم کاربری اراضی کشاورزی به دلیل سودآور بودن به سایر کاربری‌ها از جمله مسکونی و غیره تغییر داده می‌شود. همین امر موجب کاهش تولید محصولات کشاورزی و پیامدهای منفی زیادی می‌شود. همچنین دامداری کاهش می‌یابد و افراد به شغل‌های غیر از کشاورزی روی می‌آورند که به دلیل ضعف زیرساخت‌های اقتصادی، این شغل‌ها عمدتاً مشاغل کاذب و غیرتولیدی از جمله دلالی زمین، مسکن و غیره هستند که خود این امر موجب تشدید جریان تبدیل اراضی کشاورزی می‌شود. به‌علاوه منابع آب و سایر زیرساخت‌های موجود پاسخگوی جمعیت جدیدی که از روستاهای مجاور به امید زندگی بهتر مهاجرت کرده‌اند، نیست و مشکلات جدیدی را موجب می‌شود. مسئله دیگر، ایجاد یک موج تقاضا در روستاهای منطقه به‌تبع از روستاهای شهرشده است که موجب بروز و تشدید مشکلات اشاره شده می‌شود؛ بنابراین در نهایت با نفاذی مواجه هستیم که نه شهر هستند و نه روستا، اما مشکلات هر دو را دارند!



مثبت و خوبی است، اما کافی نیست. اما این که چگونه می‌توان اقتصاد روستا را به اقتصاد ملی نزدیک کرد، به نظر سؤال اشتهای است؛ چراکه اقتصاد کشور اقتصاد متمرکزگرا و شهرمحور است. لذا برای این کار باید اقتصاد روستایی را اقتصاد شهری کرد که با ساختارهای اقتصادی همخوانی ندارد.

### ◆ در کل به نظر شما ملاک‌های اصلی طرح‌های روستایی کشور، چه اندازه دارای منطق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و در سیاست‌گذاری توسعه روستایی کشور به چه عوامل و متغیرهایی باید توجه شود؟

با مطالعه محتوای طرح‌های روستایی کشور به نظر می‌رسد یکی از ایده‌های اصلی در آن، ایده شهر کردن روستاهاست؛ یعنی با اجرای طرح‌هایی مانند طرح هادی روستایی به لحاظ کالبدی روستاها را شهری کنیم. از نظر اجتماعی و فرهنگی نیز به علت این که تهیه‌کنندگان این طرح‌ها شرکت‌های شهری هستند و برداشتی متفاوت از روستاییان دارند و روستاییان را در هیچ‌کدام از مراحل اجرای این طرح‌ها (تهیه، اجرا، نظارت و...) مشارکت فعالی نمی‌دهند، لذا طرح‌هایی متفاوت از نیازهای روستاییان تهیه و اجرا می‌کنند. به همین دلیل با وجود هزینه‌های زیادی که برای تهیه و اجرای این طرح‌ها می‌شود، خروجی و اثر مثبت چندانی برای بیشتر روستاییان ندارد. لذا در سیاست‌گذاری توسعه روستایی در کشور باید از شهری کردن روستاها دست برداشته و نیازهای واقعی روستاییان را از طریق مشارکت مؤثر و واقعی روستاییان سنجید، سپس با همراهی روستاییان در تمام مراحل، این طرح‌ها را اجرا کرده و نگهداری آن‌ها را به خود روستاییان داد. البته آموزش صحیح، علمی و منطبق با فرهنگ هر منطقه روستایی در کشور را در تمام فرایند تهیه طرح‌های توسعه روستایی نباید فراموش نمود.

### ◆ برای نمونه، راهبردهای توسعه روستایی در الگوهای موفق جهانی به چه هدف‌هایی می‌پردازد؟

اصلی‌ترین راهبرد بانک جهانی (World Bank) به‌عنوان یکی از متولیان اصلی توسعه روستایی در جهان از چند دهه گذشته، راهبرد فقرزدایی است. این راهبرد، توسعه روستایی را راهبردی برای کاهش فقر و توانمندسازی فقرا معرفی کرده است. براساس این راهبرد، پیش‌نیاز، اجرای سیاست‌های توسعه در نواحی روستایی است که ابتدا باید نیازهای اساسی روستاییان برطرف شود و سپس به اجرای طرح‌های توسعه دست زد. چراکه افراد فقیر که عمدتاً هم در نواحی روستایی هستند، به علت عدم توانایی در تأمین نیازهای اساسی زندگی، امکان شرکت در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه را ندارند. البته اجرای این راهبرد توأم با توانمندسازی است؛ چراکه با دادن صرف پول و مواد غذایی در درازمدت، موجب وابستگی آنان شده و اجرای سیاست توسعه روستایی با شکست مواجه خواهد شد.

یکی دیگر از سیاست‌های موفق در زمینه توسعه روستایی، در کشورهای چین و سپس هندوستان است. در این کشورها به علت بالا بودن جمعیت روستایی و عدم وجود شغل کافی برای آنان در بخش کشاورزی، استقرار صنایع کوچک و واسط در نواحی

از برنامه سوم به بعد، فصل مستقلی برای توسعه و عمران روستایی در نظر گرفته شد، اما به علت اعتبارات پایین تخصیص داده شده، اقدامات انجام شده جوابگوی جامعه روستایی کشور نبوده است. همچنین به علت ساختار متمرکز برنامه‌ریزی در کشور، روستاهای دور از پایتخت، از جمله نواحی محروم کشور مانند استان سیستان و بلوچستان، همچنان محروم ماندند.

روستایی در پیش‌گرفته شد. این صنایع با تکنولوژی و سرمایه پایین و متوسط موفق به ایجاد اشتغال و درآمد در نواحی روستایی به میزان زیادی در این کشورها شدند؛ به طوری که میزان بیکاری در نواحی روستایی این کشورها به شدت کاهش پیدا کرد و از طرف دیگر تولید ناخالص داخلی را به میزان بسیار زیادی افزایش دادند، به طوری که جزو کشورهای موفق در سطح جهانی قرار گرفتند.

### ◆ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم میدانید، عنوان فرمایید.

واقعیت آن است که در کشور ما نه مدل مناسب و علمی برای توسعه روستایی تهیه و اجرا می‌شود و نه از مدل‌های موفق کشورهای موفق و راهبردهای سازمان‌های بین‌المللی در این زمینه استفاده می‌شود. سیاست‌هایی که تاکنون اجرا شده، هزینه‌های زیادی بر کشور تحمیل کرده، اما نتایج چندانی نداشته است. بر همین اساس است که حدود دو دهه اخیر، نرخ رشد جمعیت روستایی کشور با وجود افزایش جمعیت، منفی است و اکنون به نزدیک منفی یک رسیده است. دلیل اصلی این مسئله، مهاجرت جمعیت روستایی به علت نامناسب بودن وضعیت زندگی در نواحی روستایی از طرف دیگر زندگی بهتر در نواحی شهری نسبت به نواحی روستایی است. با روند کنونی، تخلیه روستاهای بیشتری اتفاق خواهد افتاد. راهکار اصلی و شروع‌کننده تغییر وضعیت موجود، تنها و تنها اصلاح و تغییر ساختاری در نظام برنامه‌ریزی کشور است و نه تغییر برنامه‌ها و طرح‌های خرد. در پایان باید گفت جای تقدیر و تشکر دارد که مسائل روستایی را پیگیری می‌نمایید و به توسعه روستایی توجه نموده‌اید. چراکه متأسفانه روستا و موضوعات روستایی، به شدت مغفول مانده و دغدغه کمتر کسی بویژه ساختار نظام برنامه‌ریزی کشور هستند. ◆◆